

# افعال رایج و مهم در زبان کره‌ای

همراه با تلفظ، ترجمه و مثال کاربردی



## 가다

## فعل ۱

تلفظ فارسی

گادا

معنی

رفتن

## مثال کاربردی

• 저는 매일 학교에 가요

تلفظ تقریبی: جُنون مایل هاکیو! گایو

ترجمه: من هر روز به مدرسه می‌روم.

## 오다

## فعل ۲

تلفظ فارسی

اودا

معنی

آمدن

## مثال کاربردی

• 친구가 우리 집에 와요

تلفظ تقریبی: چینگوگا اوری جیب وایو

ترجمه: دوستم به خانه ما می‌آید.

## 먹다

## فعل ۳

تلفظ فارسی

مُکتا

معنی

خوردن

## مثال کاربردی

• 아침에 빵을 먹어요

تلفظ تقریبی: آچیم پانگاول مُگیو

ترجمه: صبح نان می‌خورم.

## 마시다

## فعل ۴

تلفظ فارسی

ماشیدا

معنی

نوشیدن

## مثال کاربردی

- 물을 자주 마세요

تلفظ تقریبی: مورول جاجو ماشیو

ترجمه: اغلب آب می نوشم.

## 보다

## فعل ۵

تلفظ فارسی

پودا

معنی

دیدن یا تماشا کردن

## مثال کاربردی

- 주말에 영화를 봐요

تلفظ تقریبی: جومار یُنْگهوارول بوایو

ترجمه: آخر هفته فیلم تماشا می کنم.

## 듣다

## فعل ۶

تلفظ فارسی

تُتا

معنی

شنیدن یا گوش دادن

## مثال کاربردی

- 음악을 조용히 들어요

تلفظ تقریبی: اوماگول جویونگهی دوریو

ترجمه: آرام به موسیقی گوش می دهم.

## 말하다

## فعل ۷

تلفظ فارسی

مالهادا

معنی

صحبت کردن

## مثال کاربردی

- 선생님과 한국어로 말해요

تلفظ تقریبی: شنسینگنیمگوا هانگوگرو مالهیو  
ترجمه: با معلم به کره‌ای صحبت می‌کنم.

## 읽다

## فعل ۸

تلفظ فارسی

ایکتا

معنی

خواندن

## مثال کاربردی

- 매일 책을 읽어요

تلفظ تقریبی: مایل چگول ایلگیو  
ترجمه: هر روز کتاب می‌خوانم.

## 쓰다

## فعل ۹

تلفظ فارسی

یس‌دا

معنی

نوشتن

## مثال کاربردی

- 공책에 이름을 써요

تلفظ تقریبی: گونگچگ ایرومول شیو  
ترجمه: نامم را در دفتر می‌نویسم.

배우다

فعل ۱۰

تلفظ فارسی

پئودا

معنی

یاد گرفتن

مثال کاربردی

- 한국어를 배워요

تلفظ تقریبی: هانگوگرول پئویو  
ترجمه: زبان کره‌ای یاد می‌گیرم.

가르치다

فعل ۱۱

تلفظ فارسی

گاروچیدا

معنی

آموزش دادن

مثال کاربردی

- 선생님이 문법을 가르쳐요

تلفظ تقریبی: شنسینگنیمی مونئبول گاروچیو  
ترجمه: معلم دستور زبان آموزش می‌دهد.

공부하다

فعل ۱۲

تلفظ فارسی

گونگ‌بوهادا

معنی

درس خواندن

مثال کاربردی

- 도서관에서 공부해요

تلفظ تقریبی: دوشگوایش گونگبوهیو  
ترجمه: در کتابخانه درس می‌خوانم.

일하다

فعل ۱۳

تلفظ فارسی

ایلهادا

معنی

کار کردن

مثال کاربردی

• 회사에서 일해요

تلفظ تقریبی: هوسا‌ش ایل‌ه‌یو

ترجمه: در شرکت کار می‌کنم.

쉬다

فعل ۱۴

تلفظ فارسی

شوی‌دا

معنی

استراحت کردن

مثال کاربردی

• 오후에는 잠깐 쉬어요

تلفظ تقریبی: او‌هوانون جامکان سوی‌ایو

ترجمه: بعدازظهر کمی استراحت می‌کنم.

자다

فعل ۱۵

تلفظ فارسی

جادا

معنی

خوابیدن

مثال کاربردی

• 밤 열한 시에 자요

تلفظ تقریبی: بام یل‌هان شیا جایو

ترجمه: ساعت یازده شب می‌خوابم.

일어나다

فعل ۱۶

تلفظ فارسی

ایرونادا

معنی

بیدار شدن یا برخاستن

مثال کاربردی

• 아침 일곱 시에 일어나요

تلفظ تقریبی: آچیم ایلگوپ سیا ایزنایو

ترجمه: ساعت هفت صبح بیدار می‌شوم.

앉다

فعل ۱۷

تلفظ فارسی

آن‌تا

معنی

نشستن

مثال کاربردی

• 의자에 앉아요

تلفظ تقریبی: اویجا آنجایو

ترجمه: روی صندلی می‌نشینم.

서다

فعل ۱۸

تلفظ فارسی

سُدا

معنی

ایستادن

مثال کاربردی

• 줄 앞에 서요

تلفظ تقریبی: جول آپ شیو

ترجمه: جلوی صف می‌ایستم.

## 걸다

## فعل ۱۹

تلفظ فارسی

گُتتا

معنی

راه رفتن

## مثال کاربردی

- 공원에서 천천히 걸어요

تلفظ تقریبی: گونگوئیش چُنچُنهی گُزیو

ترجمه: در پارک آهسته راه می‌روم.

## 뛰다

## فعل ۲۰

تلفظ فارسی

توی‌دا

معنی

دویدن

## مثال کاربردی

- 운동장에서 빨리 뛰어요

تلفظ تقریبی: اوندونگجانگاش پالری تویایو

ترجمه: در زمین ورزش سریع می‌دوم.

## 만나다

## فعل ۲۱

تلفظ فارسی

مان‌نادا

معنی

ملاقات کردن

## مثال کاربردی

- 주말에 친구를 만나요

تلفظ تقریبی: جومار چینگورول ماننایو

ترجمه: آخر هفته دوستم را می‌بینم.

## 헤어지다

## فعل ۲۲

تلفظ فارسی

معنی

هئوجیدا

جدا شدن یا خداحافظی کردن

## مثال کاربردی

- 역에서 친구와 헤어져요

تلفظ تقریبی: یُگَش چینگووا هُاجِیو

ترجمه: در ایستگاه از دوستم جدا می‌شوم.

## 기다리다

## فعل ۲۳

تلفظ فارسی

معنی

کیداریدا

منتظر ماندن

## مثال کاربردی

- 버스를 십 분 기다려요

تلفظ تقریبی: بُسورول شیپ بون گیداریو

ترجمه: ده دقیقه منتظر اتوبوس می‌مانم.

## 찾다

## فعل ۲۴

تلفظ فارسی

معنی

چات‌تا

پیدا کردن یا جست‌وجو کردن

## مثال کاربردی

- 열쇠를 가방에서 찾아요

تلفظ تقریبی: یُلسورول گابانگاش چاجابو

ترجمه: کلید را در کیف پیدا می‌کنم.

잃어버리다

فعل ۲۵

تلفظ فارسی

ایزبُریدا

معنی

گم کردن

مثال کاربردی

- 휴대폰을 잃어버렸어요

تلفظ تقریبی: هیودپونول ایلهُئُرئِشیو

ترجمه: گوشی‌ام را گم کردم.

사다

فعل ۲۶

تلفظ فارسی

سادا

معنی

خریدن

مثال کاربردی

- 시장에서 과일을 사요

تلفظ تقریبی: شیجانگاش گواایرول سایو

ترجمه: از بازار میوه می‌خرم.

팔다

فعل ۲۷

تلفظ فارسی

پالدا

معنی

فروختن

مثال کاربردی

- 가게에서 옷을 팔아요

تلفظ تقریبی: گاگاش اوسول پارایو

ترجمه: در فروشگاه لباس می‌فروشند.

## 주다

## فعل ۲۸

تلفظ فارسی

جودا

معنی

دادن

## مثال کاربردی

- 동생에게 선물을 줘요

تلفظ تقریبی: دونگسینگاگ شنمورول جوئو  
ترجمه: به خواهر یا برادر کوچکم هدیه می‌دهم.

## 받다

## فعل ۲۹

تلفظ فارسی

پات‌تا

معنی

گرفتن یا دریافت کردن

## مثال کاربردی

- 친구에게 편지를 받아요

تلفظ تقریبی: چینگواگ پینجیرول بادایو  
ترجمه: از دوستم نامه دریافت می‌کنم.

## 보내다

## فعل ۳۰

تلفظ فارسی

پوندا

معنی

فرستادن

## مثال کاربردی

- 이메일로 사진을 보내요

تلفظ تقریبی: ایمایلرو ساجینول بونیو  
ترجمه: عکس را با ایمیل می‌فرستم.

가져오다

فعل ۳۱

تلفظ فارسی

کاجئودا

معنی

آوردن

مثال کاربردی

- 회의실로 서류를 가져와요

تلفظ تقریبی: هواویشیلرو سُریرورول گاجئوایو  
ترجمه: مدارک را به اتاق جلسه می‌آورم.

가져가다

فعل ۳۲

تلفظ فارسی

کاجگادا

معنی

بردن

مثال کاربردی

- 여행에 우산을 가져가요

تلفظ تقریبی: یُهنگا اوسانول گاجئگایو  
ترجمه: در سفر چتر با خود می‌برم.

만들다

فعل ۳۳

تلفظ فارسی

ماندولدا

معنی

ساختن یا درست کردن

مثال کاربردی

- 저녁 식사를 만들어요

تلفظ تقریبی: جُنئیک شیکسارول ماندورئو  
ترجمه: شام درست می‌کنم.

사용하다

فعل ۳۴

تلفظ فارسی

سایونگ‌هادا

معنی

استفاده کردن

مثال کاربردی

• 이 앱을 매일 사용해요

تلفظ تقریبی: ای ایول مایل سایونگه‌یو

ترجمه: هر روز از این برنامه استفاده می‌کنم.

열다

فعل ۳۵

تلفظ فارسی

یُلدا

معنی

باز کردن

مثال کاربردی

• 창문을 열어요

تلفظ تقریبی: چانگمونول یُریو

ترجمه: پنجره را باز می‌کنم.

닫다

فعل ۳۶

تلفظ فارسی

تات‌تا

معنی

بستن

مثال کاربردی

• 문을 조용히 닫아요

تلفظ تقریبی: مونول جویونگهی دادایو

ترجمه: در را آرام می‌بندم.

켜다

فعل ۳۷

تلفظ فارسی

کُیدا

معنی

روشن کردن

مثال کاربردی

- 방의 불을 켜요

تلفظ تقریبی: بانگاوی بورول کُیو

ترجمه: چراغ اتاق را روشن می‌کنم.

끄다

فعل ۳۸

تلفظ فارسی

کودا

معنی

خاموش کردن

مثال کاربردی

- 텔레비전을 끄요

تلفظ تقریبی: تلریبجُنول کُیو

ترجمه: تلویزیون را خاموش می‌کنم.

시작하다

فعل ۳۹

تلفظ فارسی

شیجاک‌ها‌دا

معنی

شروع کردن

مثال کاربردی

- 수업이 아홉 시에 시작해요

تلفظ تقریبی: سوآبی آهوپ شیا شیجاک‌هیو

ترجمه: کلاس ساعت نه شروع می‌شود.

끝나다

فعل ۴۰

تلفظ فارسی

کُن نادا

معنی

تمام شدن

مثال کاربردی

• 회의가 다섯 시에 끝나요

تلفظ تقریبی: هواویگا داشت شیئا کوتنايو  
ترجمه: جلسه ساعت پنج تمام می‌شود.

끝내다

فعل ۴۱

تلفظ فارسی

کُن ندا

معنی

تمام کردن

مثال کاربردی

• 오늘 일을 일찍 끝내요

تلفظ تقریبی: اونول ایرول ایلچیک کوتنیو  
ترجمه: امروز کار را زود تمام می‌کنم.

준비하다

فعل ۴۲

تلفظ فارسی

جونبی‌هادا

معنی

آماده کردن یا آماده شدن

مثال کاربردی

• 여행 가방을 미리 준비해요

تلفظ تقریبی: یُهنِگ گابانگاول میری جونبیهِو  
ترجمه: چمدان سفر را از قبل آماده می‌کنم.

## 청소하다

## فعل ۴۳

تلفظ فارسی

چُنْگ سوهادا

معنی

تمیز کردن

## مثال کاربردی

- 토요일마다 방을 청소해요

تلفظ تقریبی: تو یوایلما دا بانگاول چُنْگسوهیو

ترجمه: هر شنبه اتاق را تمیز می‌کنم.

## 요리하다

## فعل ۴۴

تلفظ فارسی

یوری هادا

معنی

آشپزی کردن

## مثال کاربردی

- 저녁에 한국 음식을 요리해요

تلفظ تقریبی: چُنْگِ هانگوک اومشیگول یوریهیو

ترجمه: شب غذای کره‌ای می‌پزم.

## 씻다

## فعل ۴۵

تلفظ فارسی

سیت‌تا

معنی

شستن

## مثال کاربردی

- 식사 전에 손을 씻어요

تلفظ تقریبی: شیکسا چُن سونول شیشیو

ترجمه: پیش از غذا دست‌هایم را می‌شویم.

입다

فعل ۴۶

تلفظ فارسی

ایپتا

معنی

پوشیدن لباس

مثال کاربردی

• 오늘 파란 셔츠를 입어요

تلفظ تقریبی: اونول پاران شیچورول ایئو

ترجمه: امروز پیراهن آبی می‌پوشم.

벗다

فعل ۴۷

تلفظ فارسی

پُتتا

معنی

درآوردن لباس

مثال کاربردی

• 집에 오면 코트를 벗어요

تلفظ تقریبی: جیپ اومین کوتورول بُشیو

ترجمه: وقتی به خانه می‌رسم پالتو را درمی‌آورم.

신다

فعل ۴۸

تلفظ فارسی

شیندا

معنی

پوشیدن کفش

مثال کاربردی

• 밖에 나갈 때 운동화를 신어요

تلفظ تقریبی: باک ناگال پ اوندونگهوارول شینیو

ترجمه: هنگام بیرون رفتن کفش ورزشی می‌پوشم.

## 바꾸다

## فعل ۴۹

تلفظ فارسی

پاگودا

معنی

عوض کردن

## مثال کاربردی

- 비밀번호를 새것으로 바꿔요

تلفظ تقریبی: بیمیلئنهوول یسگسورو باکویو  
ترجمه: رمز عبور را با رمز تازه عوض می‌کنم.

## 고르다

## فعل ۵۰

تلفظ فارسی

کورودا

معنی

انتخاب کردن

## مثال کاربردی

- 메뉴에서 음료를 골라요

تلفظ تقریبی: مینیواش اومریورول گولرایو  
ترجمه: از منو یک نوشیدنی انتخاب می‌کنم.

## 주문하다

## فعل ۵۱

تلفظ فارسی

جومون‌هادا

معنی

سفارش دادن

## مثال کاربردی

- 카페에서 커피를 주문해요

تلفظ تقریبی: کاپاش گپیروول جومونهیو  
ترجمه: در کافه قهوه سفارش می‌دهم.

예약하다

فعل ۵۲

تلفظ فارسی

پیاک‌ها‌دا

معنی

رزرو کردن

مثال کاربردی

• 인터넷으로 호텔을 예약해요

تلفظ تقریبی: اینتئیسورو هوئیرول پیاکھیو

ترجمه: هتل را اینترنتی رزرو می‌کنم.

계산하다

فعل ۵۳

تلفظ فارسی

کیسان‌ها‌دا

معنی

پرداخت یا حساب کردن

مثال کاربردی

• 카드로 계산해요

تلفظ تقریبی: کادورو گپسانهیو

ترجمه: با کارت پرداخت می‌کنم.

빌리다

فعل ۵۴

تلفظ فارسی

پیل‌لی‌دا

معنی

قرض گرفتن

مثال کاربردی

• 도서관에서 책을 빌려요

تلفظ تقریبی: دوشگواینس چگول بیلریو

ترجمه: از کتابخانه کتاب قرض می‌گیرم.

빌려주다

فعل ۵۵

تلفظ فارسی

پیل لیجودا

معنی

قرض دادن

مثال کاربردی

- 친구에게 자전거를 빌려줘요

تلفظ تقریبی: چینگواگ جاجنگرول بیلرِجُویو  
ترجمه: دوچرخه‌ام را به دوستم قرض می‌دهم.

갏다

فعل ۵۶

تلفظ فارسی

کاپ‌تا

معنی

پس دادن یا بازپرداخت کردن

مثال کاربردی

- 다음 달에 돈을 갏아요

تلفظ تقریبی: داوم دارِ دونول گاپایو  
ترجمه: ماه آینده پول را پس می‌دهم.

저축하다

فعل ۵۷

تلفظ فارسی

جُچوک‌هادا

معنی

پس انداز کردن

مثال کاربردی

- 매달 조금씩 돈을 저축해요

تلفظ تقریبی: مدال جوگومشیک دونول جُچوکهیو  
ترجمه: هر ماه کمی پول پس انداز می‌کنم.

소비하다

فعل ۵۸

تلفظ فارسی

سوبی‌هادا

معنی

مصرف کردن

مثال کاربردی

• 필요 없는 물건을 덜 소비해요

تلفظ تقریبی: پیرو اُنون مولگُنول دُل سوبیهیو  
ترجمه: کالاهای غیر ضروری را کمتر مصرف می‌کنم.

운전하다

فعل ۵۹

تلفظ فارسی

اونجُن‌هادا

معنی

رانندگی کردن

مثال کاربردی

• 아버지가 매일 운전해요

تلفظ تقریبی: اَبجیگا مایل اونجُنیهیو  
ترجمه: پدرم هر روز رانندگی می‌کند.

타다

فعل ۶۰

تلفظ فارسی

تادا

معنی

سوار شدن

مثال کاربردی

• 지하철을 타고 회사에 가요

تلفظ تقریبی: جیهاجُرول تاگو هوسا! گایو  
ترجمه: با مترو به شرکت می‌روم.

## 내리다

## فعل ۶۱

## تلفظ فارسی

نریدا

## معنی

پیاده شدن یا پایین آمدن

## مثال کاربردی

- 다음 역에서 내려요

تلفظ تقریبی: داوم یگش نریو

ترجمه: در ایستگاه بعد پیاده می‌شوم.

## 출발하다

## فعل ۶۲

## تلفظ فارسی

چولبال‌هادا

## معنی

حرکت کردن

## مثال کاربردی

- 기차가 아침에 출발해요

تلفظ تقریبی: گیچاگا آچیم چولباله‌یو

ترجمه: قطار صبح حرکت می‌کند.

## 도착하다

## فعل ۶۳

## تلفظ فارسی

توچاک‌هادا

## معنی

رسیدن

## مثال کاربردی

- 비행기가 서울에 도착해요

تلفظ تقریبی: بیهنگیگا ساور دوچاکه‌یو

ترجمه: هواپیما به سئول می‌رسد.

여행하다

فعل ۶۴

تلفظ فارسی

یُهنگ‌ها‌دا

معنی

سفر کردن

مثال کاربردی

• 여름에 제주도로 여행해요

تلفظ تقریبی: یُروم چِچودورو یُهنگه‌یو

ترجمه: تابستان به جزیره چجو سفر می‌کنم.

돌아가다

فعل ۶۵

تلفظ فارسی

توراگادا

معنی

برگشتن

مثال کاربردی

• 일이 끝나면 집으로 돌아가요

تلفظ تقریبی: ایری کوتنامیُن جیپورو دوراگایو

ترجمه: پس از پایان کار به خانه برمی‌گردم.

들어가다

فعل ۶۶

تلفظ فارسی

توزگادا

معنی

داخل شدن

مثال کاربردی

• 지금 교실에 들어가요

تلفظ تقریبی: جیگوم گیوشیر دوژگایو

ترجمه: الان وارد کلاس می‌شوم.

## 나오다

## فعل ۶۷

تلفظ فارسی

نأودا

معنی

بیرون آمدن

## مثال کاربردی

- 학생들이 교실에서 나와요

تلفظ تقریبی: هاکسنگدوری گیوشیرش ناوایو  
ترجمه: دانش‌آموزان از کلاس بیرون می‌آیند.

## 올라가다

## فعل ۶۸

تلفظ فارسی

اُل لاگادا

معنی

بالا رفتن

## مثال کاربردی

- 계단으로 이 층에 올라가요

تلفظ تقریبی: گیدانورو ای چونگا اولراگایو  
ترجمه: با پله به طبقه دوم می‌روم.

## 내려가다

## فعل ۶۹

تلفظ فارسی

نرئگادا

معنی

پایین رفتن

## مثال کاربردی

- 엘리베이터로 일 층에 내려가요

تلفظ تقریبی: الریبایئرو ایل چونگا نرئگایو  
ترجمه: با آسانسور به طبقه اول می‌روم.

## 건너다

## فعل ۷۰

تلفظ فارسی

کُنْدا

معنی

عبور کردن

## مثال کاربردی

- 길을 건너기 전에 확인해요

تلفظ تقریبی: گیرول گُننگی جُن هواگینهیو  
ترجمه: پیش از عبور از خیابان بررسی می‌کنم.

## 지나가다

## فعل ۷۱

تلفظ فارسی

چیناگادا

معنی

رد شدن یا گذشتن

## مثال کاربردی

- 매일 이 길을 지나가요

تلفظ تقریبی: مایل ای گیرول چیناگایو  
ترجمه: هر روز از این مسیر می‌گذرم.

## 묻다

## فعل ۷۲

تلفظ فارسی

موت‌تا

معنی

پرسیدن

## مثال کاربردی

- 직원에게 가격을 물어요

تلفظ تقریبی: جیگؤنگ گاکگول مورئو  
ترجمه: قیمت را از کارمند می‌پرسم.

대답하다

فعل ۷۳

تلفظ فارسی

تَداب‌ها‌دا

معنی

پاسخ دادن

مثال کاربردی

• 질문에 천천히 대답해요

تلفظ تقریبی: جیلمون چُنْجُنْهی یدایه‌یو

ترجمه: آهسته به سؤال پاسخ می‌دهم.

설명하다

فعل ۷۴

تلفظ فارسی

سَلْمِیْنِگ‌ها‌دا

معنی

توضیح دادن

مثال کاربردی

• 친구에게 길을 설명해요

تلفظ تقریبی: چینگواگ گِی‌رول سَلْمِیْنِگْهیو

ترجمه: مسیر را برای دوستم توضیح می‌دهم.

질문하다

فعل ۷۵

تلفظ فارسی

چِیلمون‌ها‌دا

معنی

سؤال کردن

مثال کاربردی

• 선생님께 모르는 단어를 질문해요

تلفظ تقریبی: سُنْسِیْنِگْنیْمِک مورونون دانُرول جِیلمونْهیو

ترجمه: واژه ناآشنا را از معلم می‌پرسم.

이해하다

فعل ۷۶

تلفظ فارسی

ایه‌هادا

معنی

فهمیدن

مثال کاربردی

• 이 문장을 잘 이해해요

تلفظ تقریبی: ای مونجانگاول جال ایههيو  
ترجمه: این جمله را خوب می‌فهمم.

기억하다

فعل ۷۷

تلفظ فارسی

کی‌اک‌هادا

معنی

به یاد داشتن

مثال کاربردی

• 중요한 날짜를 기억해요

تلفظ تقریبی: جونگیوهان نالچارول گیاکهيو  
ترجمه: تاریخ مهم را به یاد دارم.

잊다

فعل ۷۸

تلفظ فارسی

ایت‌تا

معنی

فراموش کردن

مثال کاربردی

• 가끔 약속을 잊어요

تلفظ تقریبی: گاکوم یاکسوگول ایجیو  
ترجمه: گاهی قرار را فراموش می‌کنم.

알다

فعل ۷۹

تلفظ فارسی

آلدا

معنی

دانستن یا شناختن

مثال کاربردی

• 그 사람의 이름을 알아요

تلفظ تقریبی: گو ساراموی ایرومول آرایو

ترجمه: نام آن شخص را می‌دانم.

모르다

فعل ۸۰

تلفظ فارسی

مورودا

معنی

ندانستن

مثال کاربردی

• 저는 그 주소를 몰라요

تلفظ تقریبی: جون گو جوسورول مولرایو

ترجمه: من آن نشانی را نمی‌دانم.

생각하다

فعل ۸۱

تلفظ فارسی

سینگ‌گاک‌ها‌دا

معنی

فکر کردن

مثال کاربردی

• 여행 계획에 대해 생각해요

تلفظ تقریبی: یُهنک گی‌هوگ ده سینگ‌گاک‌هیو

ترجمه: درباره برنامه سفر فکر می‌کنم.

۸۲

میندا

تلفظ فارسی

میتا

معنی

باور کردن

مثال کاربردی

• 저는 친구의 말을 믿어요

تلفظ تقریبی: چئون چینگواوی مارول میدیو

ترجمه: حرف دوستم را باور می‌کنم.

결정하다

۸۳

تلفظ فارسی

کیلجنگ‌هادا

معنی

تصمیم گرفتن

مثال کاربردی

• 오늘 메뉴를 결정해요

تلفظ تقریبی: اونول مینیورول گیلجنگهيو

ترجمه: امروز منو را انتخاب و قطعی می‌کنم.

약속하다

۸۴

تلفظ فارسی

یاک‌سوک‌هادا

معنی

قول دادن

مثال کاربردی

• 친구와 내일 만나기로 약속해요

تلفظ تقریبی: چینگووا یایل مانناگیرو یاکسوکهيو

ترجمه: با دوستم قرار می‌گذارم فردا همدیگر را ببینیم.

فعل ۸۵ 동의하다

معنی

موافق بودن

تلفظ فارسی

تونگ‌اوی‌هادا

مثال کاربردی

• 저는 그 의견에 동의해요

تلفظ تقریبی: جُنون گو اویگین دونگاویهیو  
ترجمه: با آن نظر موافقم.

فعل ۸۶ 반대하다

معنی

مخالفت کردن

تلفظ فارسی

پاندهادا

مثال کاربردی

• 많은 사람이 그 계획에 반대해요

تلفظ تقریبی: مانهون سارامی گو گیهوگ باندهیو  
ترجمه: افراد زیادی با آن برنامه مخالف‌اند.

فعل ۸۷ 좋아하다

معنی

دوست داشتن

تلفظ فارسی

چوناهادا

مثال کاربردی

• 저는 한국 음식을 좋아해요

تلفظ تقریبی: جُنون هانگوک اومشیگول جوهاییو  
ترجمه: غذای کره‌ای را دوست دارم.

사랑하다

فعل ۸۸

تلفظ فارسی

سارانگ‌ها‌دا

معنی

عاشق بودن یا دوست داشتن

مثال کاربردی

• 부모님을 많이 사랑해요

تلفظ تقریبی: بومونیمول مانهی سارانگهیو  
ترجمه: پدر و مادرم را بسیار دوست دارم.

싫어하다

فعل ۸۹

تلفظ فارسی

شی‌رُها‌دا

معنی

بدش آمدن

مثال کاربردی

• 저는 너무 매운 음식을 싫어해요

تلفظ تقریبی: جُنون نُمو مِاون اومشیگول شیلُهیو  
ترجمه: غذای خیلی تند را دوست ندارم.

원하다

فعل ۹۰

تلفظ فارسی

وُن‌ها‌دا

معنی

خواستن

مثال کاربردی

• 따뜻한 차를 원해요

تلفظ تقریبی: تاتوتهان چارول وُنهیو  
ترجمه: چای گرم می‌خواهم.

## 필요하다

## فعل ۹۱

تلفظ فارسی

پی‌رُهادا

معنی

نیاز داشتن

## مثال کاربردی

• 이 일에는 시간이 필요해요

تلفظ تقریبی: ای ایرنون شیگانی پی‌ریوهیو  
ترجمه: این کار به زمان نیاز دارد.

## 바라다

## فعل ۹۲

تلفظ فارسی

پارادا

معنی

آرزو کردن یا امید داشتن

## مثال کاربردی

• 좋은 결과를 바라요

تلفظ تقریبی: جوهون گیلگوارول بارایو  
ترجمه: امیدوارم نتیجه خوبی حاصل شود.

## 웃다

## فعل ۹۳

تلفظ فارسی

اوت‌تا

معنی

خندیدن یا لبخند زدن

## مثال کاربردی

• 아이가 크게 웃어요

تلفظ تقریبی: آیگا کوگ اوشیو  
ترجمه: کودک با صدای بلند می‌خندد.

## 울다

## فعل ۹۴

تلفظ فارسی

اولدا

معنی

گریه کردن

## مثال کاربردی

- 슬픈 영화를 보고 울어요

تلفظ تقریبی: سولپون ینگهوارول بوگو اورئو  
ترجمه: با دیدن فیلم غمگین گریه می‌کنم.

## 화내다

## فعل ۹۵

تلفظ فارسی

هوانیدا

معنی

عصبانی شدن

## مثال کاربردی

- 작은 일에 화내지 마세요

تلفظ تقریبی: جاگون ایر هوانجی ماسیو  
ترجمه: برای مسائل کوچک عصبانی نشوید.

## 걱정하다

## فعل ۹۶

تلفظ فارسی

کُکْ جَنگْ هادا

معنی

نگران بودن

## مثال کاربردی

- 시험 결과를 걱정해요

تلفظ تقریبی: شیهم گیلگوارول کُکْ جَنگْ هیو  
ترجمه: نگران نتیجه امتحان هستم.

놀라다

فعل ۹۷

تلفظ فارسی

نول لادا

معنی

تعجب کردن یا جا خوردن

مثال کاربردی

- 갑작스러운 소리에 놀라요

تلفظ تقریبی: گاپچاکسوژاون سوریا نولرایو

ترجمه: از صدای ناگهانی جا می‌خورم.

느끼다

فعل ۹۸

تلفظ فارسی

نوکیدا

معنی

احساس کردن

مثال کاربردی

- 음악을 들으며 행복을 느껴요

تلفظ تقریبی: اوماگول دورومئ هنگیوگول نوکیو

ترجمه: با شنیدن موسیقی احساس شادی می‌کنم.

도와주다

فعل ۹۹

تلفظ فارسی

تواجودا

معنی

کمک کردن

مثال کاربردی

- 친구의 숙제를 도와줘요

تلفظ تقریبی: چینگواوی سوکچرول دوواجویو

ترجمه: در تکلیف به دوستم کمک می‌کنم.

부탁하다

فعل ۱۰۰

تلفظ فارسی

پوتاک‌ها‌دا

معنی

درخواست کردن

مثال کاربردی

- 직원에게 도움을 부탁해요

تلفظ تقریبی: جیگوئنگ دو‌اومول بوتاکه‌یو

ترجمه: از کارمند درخواست کمک می‌کنم.

초대하다

فعل ۱۰۱

تلفظ فارسی

چود‌ها‌دا

معنی

دعوت کردن

مثال کاربردی

- 주말에 친구를 집으로 초대해요

تلفظ تقریبی: جومار چینگورول جی‌بورو چود‌ه‌یو

ترجمه: آخر هفته دوستم را به خانه دعوت می‌کنم.

방문하다

فعل ۱۰۲

تلفظ فارسی

پانگ‌مون‌ها‌دا

معنی

دیدار یا بازدید کردن

مثال کاربردی

- 휴가에 박물관을 방문해요

تلفظ تقریبی: هیوگا! باکمولگوانول بانگمون‌ه‌یو

ترجمه: در تعطیلات از موزه بازدید می‌کنم.

## 연락하다

## فعل ۱۰۳

تلفظ فارسی

تِل لاک هادا

معنی

تماس گرفتن

## مثال کاربردی

- 도착하면 바로 연락해요

تلفظ تقریبی: دوچاکهامین بارو یُئراکھیو  
ترجمه: وقتی رسیدم فوراً تماس می‌گیرم.

## 전화하다

## فعل ۱۰۴

تلفظ فارسی

چُنهواهادا

معنی

تلفن کردن

## مثال کاربردی

- 저녁에 부모님께 전화해요

تلفظ تقریبی: چُنِیگ بومونیمک چُنهواهیو  
ترجمه: شب به پدر و مادرم تلفن می‌کنم.

## 축하다

## فعل ۱۰۵

تلفظ فارسی

چوکاهادا

معنی

تبریک گفتن

## مثال کاربردی

- 친구의 합격을 축하해요

تلفظ تقریبی: چینگواوی هاپگیگول چوکهاهیو  
ترجمه: قبولی دوستم را تبریک می‌گویم.

## 감사하다

## فعل ۱۰۶

تلفظ فارسی

کامساحادا

معنی

تشکر کردن

## مثال کاربردی

- 도움을 주셔서 감사해요

تلفظ تقریبی: دواومول جوشیئش گامساهیو

ترجمه: برای کمکتان متشکرم.

## 사과하다

## فعل ۱۰۷

تلفظ فارسی

ساگواهادا

معنی

عذرخواهی کردن

## مثال کاربردی

- 늦어서 친구에게 사과해요

تلفظ تقریبی: نوئش چینگواگ ساگواهیو

ترجمه: به دلیل دیر رسیدن از دوستم عذرخواهی می‌کنم.

## 인사하다

## فعل ۱۰۸

تلفظ فارسی

اینساحادا

معنی

سلام و احوال‌پرسی کردن

## مثال کاربردی

- 아침마다 이웃에게 인사해요

تلفظ تقریبی: آچیممادا ایابوسیگ اینساهیو

ترجمه: هر صبح به همسایه سلام می‌کنم.

## 소개하다

## فعل ۱۰۹

تلفظ فارسی

سوگهادا

معنی

معرفی کردن

## مثال کاربردی

- 새 친구를 가족에게 소개해요

تلفظ تقریبی: یس چینگورول گاجوگگ سوگهیو  
ترجمه: دوست جدیدم را به خانواده معرفی می‌کنم.

## 참여하다

## فعل ۱۱۰

تلفظ فارسی

چامیهادا

معنی

شرکت کردن

## مثال کاربردی

- 회의에 적극적으로 참여해요

تلفظ تقریبی: هواویا جکگوکجگورو چامیهیو  
ترجمه: فعالانه در جلسه شرکت می‌کنم.

## 연습하다

## فعل ۱۱۱

تلفظ فارسی

یُنسوب‌ها‌دا

معنی

تمرین کردن

## مثال کاربردی

- 매일 발음을 연습해요

تلفظ تقریبی: مایل بارومول یُنسوبهیو  
ترجمه: هر روز تلفظ را تمرین می‌کنم.

운동하다

فعل ۱۱۲

تلفظ فارسی

اوندونگ‌هادا

معنی

ورزش کردن

مثال کاربردی

• 아침마다 삼십 분 운동해요

تلفظ تقریبی: آچیممادا سامشیپ بون اوندونگه‌یو  
ترجمه: هر صبح سی دقیقه ورزش می‌کنم.

수영하다

فعل ۱۱۳

تلفظ فارسی

سوئینگ‌هادا

معنی

شنا کردن

مثال کاربردی

• 여름에는 바다에서 수영해요

تلفظ تقریبی: یرومینون بادا‌اش سوئینگه‌یو  
ترجمه: تابستان در دریا شنا می‌کنم.

춤추다

فعل ۱۱۴

تلفظ فارسی

چوم‌چودا

معنی

رقصیدن

مثال کاربردی

• 음악에 맞춰 춤춰요

تلفظ تقریبی: اوماگ ماتچو چومچویو  
ترجمه: هماهنگ با موسیقی می‌رقصم.

노래하다

فعل ۱۱۵

تلفظ فارسی

نورهادا

معنی

آواز خواندن

مثال کاربردی

• 친구들과 함께 노래해요

تلفظ تقریبی: چینگودولگوا هامک نورهیو

ترجمه: همراه دوستانم آواز می‌خوانم.

연주하다

فعل ۱۱۶

تلفظ فارسی

یُنجوهادا

معنی

ساز نواختن

مثال کاربردی

• 피아노로 이 곡을 연주해요

تلفظ تقریبی: پیآنورو ای گوگول یُنجوهیو

ترجمه: این قطعه را با پیانو می‌نوازم.

그리다

فعل ۱۱۷

تلفظ فارسی

کوریدا

معنی

کشیدن یا نقاشی کردن

مثال کاربردی

• 공책에 고양이를 그려요

تلفظ تقریبی: گونگچگ گویانگایرول گوریو

ترجمه: در دفتر یک گربه می‌کشم.

## 찍다

## فعل ۱۱۸

تلفظ فارسی

چیکتا

معنی

عکس گرفتن

## مثال کاربردی

- 여행에서 사진을 많이 찍어요

تلفظ تقریبی: یُهنگاش ساجینول مانهی چیگیو  
ترجمه: در سفر عکس‌های زیادی می‌گیرم.

## 놀다

## فعل ۱۱۹

تلفظ فارسی

نولدا

معنی

بازی یا تفریح کردن

## مثال کاربردی

- 아이들이 마당에서 놀아요

تلفظ تقریبی: آیدوری مادانگاش نورایو  
ترجمه: بچه‌ها در حیاط بازی می‌کنند.

## 즐기다

## فعل ۱۲۰

تلفظ فارسی

جولگیدا

معنی

لذت بردن

## مثال کاربردی

- 휴가를 편하게 즐겨요

تلفظ تقریبی: هیوگارول یُنْهاگ جولگیو  
ترجمه: با آرامش از تعطیلات لذت می‌برم.

계획하다

فعل ۱۲۱

تلفظ فارسی

کیه‌وک‌ها‌دا

معنی

برنامه‌ریزی کردن

مثال کاربردی

- 다음 주 일정을 계획해요

تلفظ تقریبی: داوم جو ایل‌جنگاول گی‌هوک‌هیو  
ترجمه: برنامه هفته آینده را تنظیم می‌کنم.

신청하다

فعل ۱۲۲

تلفظ فارسی

شین‌چُنْگ‌ها‌دا

معنی

درخواست یا ثبت‌نام کردن

مثال کاربردی

- 온라인으로 수업을 신청해요

تلفظ تقریبی: اون‌را‌این‌ورو سو‌اُبول شین‌چُنْگ‌هیو  
ترجمه: به صورت آنلاین برای کلاس ثبت‌نام می‌کنم.

등록하다

فعل ۱۲۳

تلفظ فارسی

تونْگ‌نوْک‌ها‌دا

معنی

نام‌نویسی کردن

مثال کاربردی

- 새 학원에 등록해요

تلفظ تقریبی: بیس هاگُون دوْنْگروک‌هیو  
ترجمه: در آموزشگاه جدید نام‌نویسی می‌کنم.

취소하다

فعل ۱۲۴

تلفظ فارسی

چوی سوهادا

معنی

لغو کردن

مثال کاربردی

- 예약을 하루 전에 취소해요

تلفظ تقریبی: پیاگول هارو جُن چویسوهیو  
ترجمه: رزرو را یک روز قبل لغو می‌کنم.

확인하다

فعل ۱۲۵

تلفظ فارسی

هواگین هادا

معنی

بررسی یا تأیید کردن

مثال کاربردی

- 출발 시간을 다시 확인해요

تلفظ تقریبی: چولبال شیگانول داشی هواگینهیو  
ترجمه: زمان حرکت را دوباره بررسی می‌کنم.

선택하다

فعل ۱۲۶

تلفظ فارسی

سُنیک هادا

معنی

انتخاب کردن

مثال کاربردی

- 목록에서 한 가지를 선택해요

تلفظ تقریبی: موکروگیش هان گاجیرول سُنیکهیو  
ترجمه: یک مورد را از فهرست انتخاب می‌کنم.

## 비교하다

## فعل ۱۲۷

تلفظ فارسی

پی‌گیوهادا

معنی

مقایسه کردن

## مثال کاربردی

- 두 제품의 가격을 비교해요

تلفظ تقریبی: دو چوموی گاگنگول بیگیوهیو  
ترجمه: قیمت دو محصول را مقایسه می‌کنم.

## 바르다

## فعل ۱۲۸

تلفظ فارسی

پارودا

معنی

مالیدن

## مثال کاربردی

- 얼굴에 크림을 발라요

تلفظ تقریبی: آگور کوریمول بالرایو  
ترجمه: روی صورت کرم می‌مالم.

## 자르다

## فعل ۱۲۹

تلفظ فارسی

چارودا

معنی

بریدن

## مثال کاربردی

- 가위로 종이를 잘라요

تلفظ تقریبی: گاویرو جونگایرول جالرایو  
ترجمه: کاغذ را با قیچی می‌برم.

## 붙이다

## فعل ۱۳۰

تلفظ فارسی

پوچیدا

معنی

چسباندن

## مثال کاربردی

- 벽에 사진을 붙여요

تلفظ تقریبی: بیگ ساجینول بوتئو  
ترجمه: عکس را به دیوار می‌چسبانم.

## 떼다

## فعل ۱۳۱

تلفظ فارسی

تدا

معنی

جدا کردن یا کندن

## مثال کاربردی

- 상자에서 스티커를 떼요

تلفظ تقریبی: سانگجانش سوتیکرول تیو  
ترجمه: برچسب را از جعبه می‌کنم.

## 넣다

## فعل ۱۳۲

تلفظ فارسی

نُتا

معنی

داخل گذاشتن

## مثال کاربردی

- 가방에 책을 넣어요

تلفظ تقریبی: گابانگا چگول نُهیو  
ترجمه: کتاب را داخل کیف می‌گذارم.

빼다

فعل ۱۳۳

تلفظ فارسی

بدا

معنی

بیرون آوردن

مثال کاربردی

- 주머니에서 열쇠를 빼요

تلفظ تقریبی: جوْمُنِیَاش یِلْسورول پیو  
ترجمه: کلید را از جیب بیرون می‌آورم.

옮기다

فعل ۱۳۴

تلفظ فارسی

اُمگیدا

معنی

جابه‌جا کردن

مثال کاربردی

- 의자를 창가로 옮겨요

تلفظ تقریبی: اویجارول چانگگارو اومگئیو  
ترجمه: صندلی را کنار پنجره می‌برم.

던지다

فعل ۱۳۵

تلفظ فارسی

تُنجیدا

معنی

پرتاب کردن

مثال کاربردی

- 공을 친구에게 던져요

تلفظ تقریبی: گونگاول چینگوآگ دُنجئیو  
ترجمه: توپ را برای دوستم پرتاب می‌کنم.

## 잡다

## فعل ۱۳۶

تلفظ فارسی

چاپ‌تا

معنی

گرفتن

## مثال کاربردی

- 손으로 공을 잡아요

تلفظ تقریبی: سونورو گونگاول جابایو

ترجمه: توپ را با دست می‌گیرم.

## 놓다

## فعل ۱۳۷

تلفظ فارسی

نوتا

معنی

گذاشتن

## مثال کاربردی

- 책을 책상 위에 놓아요

تلفظ تقریبی: چگول چکسانگ ویا نوهاییو

ترجمه: کتاب را روی میز می‌گذارم.

## 누르다

## فعل ۱۳۸

تلفظ فارسی

نورودا

معنی

فشار دادن

## مثال کاربردی

- 이 버튼을 눌러요

تلفظ تقریبی: ای بُتونول نولُرُیو

ترجمه: این دکمه را فشار می‌دهم.

## 밀다

## فعل ۱۳۹

تلفظ فارسی

میلدا

معنی

هل دادن

## مثال کاربردی

• 문을 앞으로 밀어요

تلفظ تقریبی: مونول آپورو میژیو  
ترجمه: در را به جلو هل می‌دهم.

## 당기다

## فعل ۱۴۰

تلفظ فارسی

تانگ‌گیدا

معنی

کشیدن

## مثال کاربردی

• 손잡이를 천천히 당겨요

تلفظ تقریبی: سونجابیروول چُنچُنهی دانگگیو  
ترجمه: دستگیره را آرام می‌کشم.

## 고치다

## فعل ۱۴۱

تلفظ فارسی

کوچیدا

معنی

تعمیر یا اصلاح کردن

## مثال کاربردی

• 고장 난 시계를 고쳐요

تلفظ تقریبی: گوجانگ نان شیگیروول گوچیو  
ترجمه: ساعت خراب را تعمیر می‌کنم.

고장나다

فعل ۱۴۲

تلفظ فارسی

کوجانگ نادا

معنی

خراب شدن

مثال کاربردی

• 컴퓨터가 갑자기 고장 났어요

تلفظ تقریبی: کمپیوٹنگا گاپجاگی گوجانگ ناشیو

ترجمه: رایانه ناگهان خراب شد.

생기다

فعل ۱۴۳

تلفظ فارسی

سینگ گیدا

معنی

به وجود آمدن

مثال کاربردی

• 새로운 문제가 생겼어요

تلفظ تقریبی: بیرواون مونچگا سینگگیشیو

ترجمه: مشکل تازه‌ای به وجود آمد.

사라지다

فعل ۱۴۴

تلفظ فارسی

ساراجیدا

معنی

ناپدید شدن

مثال کاربردی

• 구름이 천천히 사라져요

تلفظ تقریبی: گورو می چُنچُنهی ساراجیو

ترجمه: ابرها آرام آرام ناپدید می‌شوند.

## 변하다

## فعل ۱۴۵

تلفظ فارسی

پئنهادا

معنی

تغییر کردن

## مثال کاربردی

• 날씨가 갑자기 변해요

تلفظ تقریبی: نالشیگا گاجاگی پئنهیو

ترجمه: هوا ناگهان تغییر می‌کند.

## 계속하다

## فعل ۱۴۶

تلفظ فارسی

کی سوک هادا

معنی

ادامه دادن

## مثال کاربردی

• 어려워도 공부를 계속해요

تلفظ تقریبی: ارئودو گونگبورول گیسوکهیو

ترجمه: با وجود سختی، درس خواندن را ادامه می‌دهم.

## 멈추다

## فعل ۱۴۷

تلفظ فارسی

مُمچودا

معنی

متوقف شدن یا ایستادن

## مثال کاربردی

• 신호가 빨간색이면 멈춰요

تلفظ تقریبی: شینهوگا پالگانیسگیمئین مُمچویو

ترجمه: اگر چراغ قرمز باشد می‌ایستم.

# چرب زبان

برگزیده مردم ایران



## افعال رایج و مهم در زبان کره‌ای

همراه با تلفظ، ترجمه و مثال کاربردی

배우다

یادگرفتن

하다

کردن

보다

دیدن

먹다

خوردن

가다

رفتن

تهیه شده توسط چرب زبان

charbzaban.com

# 가다

gada

رفتن

تلفظ فارسی

گادا

مثال کاربردی

저는 학교에 가요.

jeoneun hakgyoe gayo.

تلفظ: جونون هاک‌گیوئه گایو.

ترجمه: من به مدرسه می‌روم.

کجا به کار می‌رود؟

حرکت و رفتن به مکان

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 오다

oda

آمدن

تلفظ فارسی

اودا

مثال کاربردی

내일 우리 집에 오세요.

naeil uri jibe oseyo.

تلفظ: نهایل اوری جیبه اوسیوو.

ترجمه: فردا به خانه ما بیایید.

کجا به کار می‌رود؟

دعوت و آمدن به مکانی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 먹다

meokda

خوردن

تلفظ فارسی

موکدا

مثال کاربردی

저는 아침을 먹어요.

jeoneun achimeul meogeoyo.

تلفظ: جونون آچیمول موگوئو.

ترجمه: من صبحانه می‌خورم.

کجا به کار می‌رود؟

غذا خوردن و وعده‌های غذایی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 마시다

masida

نوشیدن

تلفظ فارسی

ماشیدا

مثال کاربردی

저는 커피를 마셔요.

jeoneun keopireul masyeoyo.

تلفظ: جونون کوپیرهول ماشیوئو.

ترجمه: من قهوه می‌نوشم.

کجا به کار می‌رود؟

نوشیدن آب یا نوشیدنی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 보다

boda

دیدن / تماشا کردن

تلفظ فارسی

بودا

مثال کاربردی

저는 영화를 봐요.

jeoneun yeonghwareul bwayo.

تلفظ: جونون یونگ هوارول بوایو.

ترجمه: من فیلم تماشا می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

دیدن افراد، فیلم و منظره

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 듣다

deutda

شنیدن / گوش دادن

تلفظ فارسی

دوت‌دا

مثال کاربردی

저는 음악을 들어요.

jeoneun eumageul deureoyo.

تلفظ: جونون اوماگول دوروئو.

ترجمه: من موسیقی گوش می‌دهم.

کجا به کار می‌رود؟

شنیدن صدا و گوش دادن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 하다

hada

انجام دادن / کردن

تلفظ فارسی

هادا

مثال کاربردی

저는 숙제를 해요.

jeoneun sukjereul haeyo.

تلفظ: جونون سوک‌جه‌رول هیوو.

ترجمه: من تکلیفم را انجام می‌دهم.

کجا به کار می‌رود؟

فعالیت‌های عمومی و روزمره

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 있다

itda

بودن / داشتن / وجود داشتن

تلفظ فارسی

ایت‌دا

مثال کاربردی

저는 시간이 있어요.

jeoneun sigani isseoyo.

تلفظ: جونون شیگانی ایسوئو.

ترجمه: من وقت دارم.

کجا به کار می‌رود؟

مالکیت، وجود و حالت

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 없다

eopda

نبودن / نداشتن

تلفظ فارسی

اوپدا

مثال کاربردی

저는 돈이 없어요.

jeoneun doni eopseoyo.

تلفظ: جونون دونی اوپسوئو.

ترجمه: من پول ندارم.

کجا به کار می‌رود؟

نبود یا نداشتن چیزی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 되다

doeda

شدن

تلفظ فارسی

دوئه‌دا

مثال کاربردی

저는 선생님이 됐어요.

jeoneun seonsaengnimi dwaesseoyo.

تلفظ: جونون سون‌سنگ‌نیمی دوئسوئو.

ترجمه: من معلم شدم.

کجا به کار می‌رود؟

تغییر وضعیت و حرفه

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 배우다

baeuda

یاد گرفتن

تلفظ فارسی

به‌ئودا

مثال کاربردی

저는 한국어를 배워요.

jeoneun hangugeoreul baewoyo.

تلفظ: جونون هان‌گوگورول به‌ووئو.

ترجمه: من کره‌ای یاد می‌گیرم.

کجا به کار می‌رود؟

یادگیری زبان و مهارت

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 가르치다

gareuchida

یاد دادن / تدریس کردن

تلفظ فارسی

گاروچیدا

مثال کاربردی

그녀는 영어를 가르쳐요.

geunyeoneun yeongeoreul gareuchyeoyo.

تلفظ: گونیونون یونگ اورول گاروچیوئو.

ترجمه: او انگلیسی تدریس می‌کند.

کجا به کار می‌رود؟

تدریس و آموزش دادن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 알다

alda

دانستن

تلفظ فارسی

آل‌دا

مثال کاربردی

저는 그것을 알아요.

jeoneun geugeoseul arayo.

تلفظ: جونون گوگوسول آرایو.

ترجمه: من آن را می‌دانم.

کجا به کار می‌رود؟

دانستن و اطلاع داشتن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 모르다

moreuda

ندانستن

تلفظ فارسی

مورودا

مثال کاربردی

저는 그 이름을 몰라요.

jeoneun geu ireumeul mollayo.

تلفظ: جونون گو ایرومول مولایو.

ترجمه: من آن اسم را نمی‌دانم.

کجا به کار می‌رود؟

بی‌اطلاعی و ندانستن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 좋아하다

joahada

دوست داشتن

تلفظ فارسی

جوآهادا

مثال کاربردی

저는 여름을 좋아해요.

jeoneun yeoreumeul joahaeyo.

تلفظ: جونون یورومول جوآهیوو.

ترجمه: من تابستان را دوست دارم.

کجا به کار می‌رود؟

بیان علاقه و سلیقه

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 싫어하다

silheohada

دوست نداشتن / بیزار بودن

تلفظ فارسی

شیل‌هوهادا

مثال کاربردی

저는 벌레를 싫어해요.

jeoneun beollereul silheohaeyo.

تلفظ: جونون بول‌له‌رول شیل‌هوهیوو.

ترجمه: من از حشرات بدم می‌آید.

کجا به کار می‌رود؟

بیان بیزاری و نارضایتی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 사랑하다

saranghada

دوست داشتن (عاشقانه)

تلفظ فارسی

سارانگ‌ها‌دا

مثال کاربردی

저는 가족을 사랑해요.

jeoneun gajogeul saranghaeyo.

تلفظ: جونون گاجوگول سارانگ‌هیوو.

ترجمه: من خانواده‌ام را دوست دارم.

کجا به کار می‌رود؟

ابراز عشق و علاقه عمیق

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 말하다

malhada

صحبت کردن / گفتن

تلفظ فارسی

مال‌هادا

مثال کاربردی

천천히 말해 주세요.

cheoncheonhi malhae juseyo.

تلفظ: چون‌چونهی مال‌هه جوسیوو.

ترجمه: لطفاً آهسته صحبت کنید.

کجا به کار می‌رود؟

صحبت کردن و بیان کلام

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 읽다

ikda

خواندن

تلفظ فارسی

ایکدا

مثال کاربردی

저는 매일 책을 읽어요.

jeoneun maeil chaegeul ilgeoyo.

تلفظ: جونون مه‌ایل چگول ایل‌گوئو.

ترجمه: من هر روز کتاب می‌خوانم.

کجا به کار می‌رود؟

مطالعه کتاب و متن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 쓰다

sseuda

نوشتن

تلفظ فارسی

سودا

مثال کاربردی

저는 편지를 써요.

jeoneun pyeonjireul sseoyo.

تلفظ: جونون پیون جی رول سوئو.

ترجمه: من نامه می‌نویسم.

کجا به کار می‌رود؟

نوشتن متن، نامه و یادداشت

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 자다

jada

خوابیدن

تلفظ فارسی

جادا

مثال کاربردی

저는 열 시에 자요.

jeoneun yeol sie jayo.

تلفظ: جونون یول شیئه جایو.

ترجمه: من ساعت ده می‌خوابم.

کجا به کار می‌رود؟

خواب و استراحت شبانه

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 일어나다

ireonada

بیدار شدن / برخاستن

تلفظ فارسی

ایرونادا

مثال کاربردی

저는 일찍 일어나요.

jeoneun iljjik ireonayo.

تلفظ: جونون ایل جیک ایرونایو.

ترجمه: من زود بیدار می‌شوم.

کجا به کار می‌رود؟

بیدار شدن و برخاستن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 만나다

mannada

ملاقات کردن / دیدن کسی

تلفظ فارسی

مان‌نادا

مثال کاربردی

저는 친구를 만나요.

jeoneun chingureul mannayo.

تلفظ: جونون چین‌گورول مان‌نایو.

ترجمه: من با یک دوست ملاقات می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

دیدار و ملاقات با افراد

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 살다

salda

زندگی کردن / ساکن بودن

تلفظ فارسی

سال‌دا

مثال کاربردی

저는 서울에 살아요.

jeoneun seoure sarayo.

تلفظ: جونون سوئوله سارایو.

ترجمه: من در سئول زندگی می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

محل سکونت و زندگی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 일하다

ilhada

کار کردن

تلفظ فارسی

ایل‌هادا

مثال کاربردی

저는 회사에서 일해요.

jeoneun hoesaeseo ilhaeyo.

تلفظ: جونون هونسائیسو ایل‌هیوو.

ترجمه: من در یک شرکت کار می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

شغل و فعالیت حرفه‌ای

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 쉬다

swida

استراحت کردن

تلفظ فارسی

شوویدا

مثال کاربردی

주말에 집에서 쉬어요.

jumare jibeseo swieoyo.

تلفظ: جومارئه جیبه‌سو شوویئو.

ترجمه: آخر هفته در خانه استراحت می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

استراحت و آرامش

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 사다

sada

خریدن

تلفظ فارسی

سادا

مثال کاربردی

저는 옷을 사요.

jeoneun oseul sayo.

تلفظ: جونون اوسول سایو.

ترجمه: من لباس می‌خرم.

کجا به کار می‌رود؟

خرید روزمره

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 팔다

palda

فروختن

تلفظ فارسی

پالدا

مثال کاربردی

이 가게는 과일을 팔아요.

i gagineun gwaireul parayo.

تلفظ: ای گآگه‌نون گوایی‌رول پارایو.

ترجمه: این مغازه میوه می‌فروشد.

کجا به کار می‌رود؟

فروش کالا

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 주다

juda

دادن

تلفظ فارسی

جودا

مثال کاربردی

저에게 선물을 주세요.

jeoege seonmureul juseyo.

تلفظ: جوئگه سون مورول جوسیوو.

ترجمه: لطفاً به من هدیه بدهید.

کجا به کار می‌رود؟

دادن چیزی به کسی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 받다

batda

گرفتن / دریافت کردن

تلفظ فارسی

باتدا

مثال کاربردی

저는 편지를 받았어요.

jeoneun pyeonjireul badasseoyo.

تلفظ: جونون پیون جی رول باداسوئو.

ترجمه: من یک نامه دریافت کردم.

کجا به کار می‌رود؟

دریافت چیزی از کسی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 열다

yeolda

باز کردن

تلفظ فارسی

یول‌دا

مثال کاربردی

창문을 열어 주세요.

changmuneul yeoreo juseyo.

تلفظ: چانگ‌مونول یورو جوسیوو.

ترجمه: لطفاً پنجره را باز کنید.

کجا به کار می‌رود؟

باز کردن در یا وسیله‌ای

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 달다

datda

بستن

تلفظ فارسی

دات‌دا

مثال کاربردی

문을 닫아 주세요.

muneul dada juseyo.

تلفظ: مونول دادا جوسیوو.

ترجمه: لطفاً در را ببندید.

کجا به کار می‌رود؟

بستن در یا وسیله‌ای

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 시작하다

sijakhada

شروع کردن

تلفظ فارسی

شی‌جاک‌ها‌دا

مثال کاربردی

수업이 아홉 시에 시작해요.

sueobi ahop sie sijakhaeyo.

تلفظ: سوئوبی آهوپ شیئە شی‌جاک‌هیوو.

ترجمه: کلاس ساعت نه شروع می‌شود.

کجا به کار می‌رود؟

آغاز رویداد یا برنامه

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 끝나다

kkeutnada

تمام شدن

تلفظ فارسی

کوت نادا

مثال کاربردی

영화가 늦게 끝나요.

yeonghwaga neutge kkeutnayo.

تلفظ: یونگ هواگا نوت گه کوت نایو.

ترجمه: فیلم دیر تمام می‌شود.

کجا به کار می‌رود؟

پایان یک رویداد یا زمان

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 생각하다

saenggakhada

فکر کردن

تلفظ فارسی

سنگ‌گاک‌هادا

مثال کاربردی

저는 가족을 자주 생각합니다.

jeoneun gajogeul jaju saenggakhaeyo.

تلفظ: جونون گاجوگول جاجو سنگ‌گاک‌هیوو.

ترجمه: من اغلب به خانواده‌ام فکر می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

فکر کردن و اندیشیدن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 기다리다

gidarida

منتظر ماندن

تلفظ فارسی

گیداریدا

مثال کاربردی

잠깐만 기다려 주세요.

jamkkanman gidaryeo juseyo.

تلفظ: جام‌کان‌مان گیداریوو جوسیوو.

ترجمه: لطفاً یک لحظه صبر کنید.

کجا به کار می‌رود؟

انتظار و مکث

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 도와주다

dowajuda

کمک کردن

تلفظ فارسی

دوواجودا

مثال کاربردی

저를 좀 도와주세요.

jeoreul jom dowajuseyo.

تلفظ: جورول جوم دوواجوسیوو.

ترجمه: لطفاً کمی به من کمک کنید.

کجا به کار می‌رود؟

درخواست یا ارائه کمک

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 찾다

chatda

پیدا کردن / جستجو کردن

تلفظ فارسی

چات‌دا

مثال کاربردی

저는 열쇠를 찾아요.

jeoneun yeolsoereul chajayo.

تلفظ: جونون یول‌سوئهرول چاجایو.

ترجمه: من دنبال کلیدهایم می‌گردم.

کجا به کار می‌رود؟

جستجوی کالا یا اطلاعات

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 만들다

mandeulda

ساختن / درست کردن

تلفظ فارسی

مان‌دول‌دا

مثال کاربردی

저는 음식을 만듭니다.

jeoneun eumsigeul mandeureoyo.

تلفظ: جونون اوم‌شی‌گول مان‌دوروئو.

ترجمه: من غذا درست می‌کنم.

کجا به کار می‌رود؟

ساختن یا تهیه چیزی

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

# 걷다

geotda

راه رفتن / پیاده‌روی کردن

تلفظ فارسی

گوت‌دا

مثال کاربردی

저는 매일 공원에서 걸어요.

jeoneun maeil gongwoneseo georeoyo.

تلفظ: جونون مه‌ایل گونگ‌ووونه‌سو گوروپو.

ترجمه: من هر روز در پارک قدم می‌زنم.

کجا به کار می‌رود؟

پیاده‌روی و راه رفتن

نکته: این فعل را با صدای بلند تکرار کنید و سپس مثال را با اطلاعات شخصی خودتان تغییر دهید.

۴۰ فعل پرکاربرد کره‌ای



## به یادگیری کره‌ای ادامه بده!

این ۴۰ فعل، ستون اصلی مکالمه روزمره کره‌ای هستند. هر روز چند فعل را با صدای بلند تمرین کن، جمله‌های مثال را با موقعیت‌های زندگی خودت تغییر بده و به‌مرور آن‌ها را در جمله‌های تازه به کار ببر.

برای تمرین‌های بیشتر زبان کره‌ای

charbzaban.com را دنبال کنید

배우다

하다

보다

먹다

가다